

مدل مفهومی شخصیت اخلاقی براساس منابع اسلامی

محمد رضا جهانگیرزاده قمی* | حمید رفیعی هنر** | مصطفی جهانگیری***

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌های شخصیت اخلاقی و ارائه مدل مفهومی آن بر اساس منابع اسلامی و سنجش روایی آن بود. روش پژوهش آمیخته از نوع طرح متوالی اکتشافی بود. در بخش کیفی، از روش تحلیل محتوای کیفی و در بخش کمی، از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شد. در بخش کیفی، مفهوم شخصیت اخلاقی در منابع روان‌شناختی و لغوی بررسی و مفاهیم متناظر آن در منابع اسلامی استخراج شد. سپس مؤلفه‌های شخصیت اخلاقی با روش کدگذاری بدست آمد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۸۶۵ کد باز شناسایی و با کدگذاری محوری و گزینشی، مؤلفه‌ها در سه دسته شناختی (شامل هشیاری معنوی، خودارزیابی مستمر، اندیشه‌ورزی سعادت‌نگر، خوش‌بینی-رضایت)، گرایشی (شامل هیجان‌پذیری خداسو، اعتماد و امید به خدا، همت متعالی، طمأنینه-استقامت، بی‌نیازی-عدم تعلق) و رفتاری (شامل انضباط رفتاری، میانه‌روی، معاشرت نیکو، یاری‌گری ایثارگرانه، رواداری اجتماعی) تقسیم شدند. در بخش کمی، میزان مطابقت مفاهیم متناظر با شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی و تناسب مؤلفه‌ها با مستندات، توسط ۶ متخصص و با محاسبه شاخص روایی محتوا (CVI) ارزیابی و ۱۱ مفهوم و ۱۴ مؤلفه تأیید شد. تحلیل روابط نشان داد تعامل مؤلفه‌های شناختی و گرایشی، مؤلفه‌های رفتاری را شکل می‌دهند و مجموع آن‌ها تحت تأثیر ایمان و لوازم آن قرار دارند.

کلیدواژه‌ها

روان‌شناسی اخلاق، شخصیت اخلاقی، روان‌شناسی اسلامی، منابع اسلامی، کدگذاری، مدل مفهومی.

* استادیار روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. (jahangirzademr@gmail.com)

** استادیار روان‌شناسی عمومی، پژوهشکده اخلاق و معنویت، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. (hamidrafii2@gmail.com)

*** دانش‌آموخته دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

(mostafajahangiry1372@gmail.com) | (تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸)

□ محمد رضا جهانگیرزاده قمی، حمید رفیعی هنر، مصطفی جهانگیری (۱۴۰۴). مدل مفهومی شخصیت اخلاقی براساس منابع اسلامی، فصلنامه اخلاق

مقدمه

شخصیت اخلاقی^۱، در سال‌های اخیر یکی از موضوعات کلیدی و مهم در روان‌شناسی اخلاق بوده و سه حوزه منش اخلاقی^۲، هویت اخلاقی^۳ و مسئولیت^۴ را در بر می‌گیرد (هنریچس^۵، اُزرا^۶ و لوات^۷، ۲۰۱۳، ص. ۶۹). بحث پیرامون اینکه آیا اخلاق در سطح رفتار صرف محدود می‌شود یا در سطح شخصیت و صفات نیز قابل بررسی است، موضوع مهمی در روان‌شناسی اخلاق^۸ است که تحقیقات متعددی به آن پرداخته‌اند (موسوی اصل و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۲۱-۲۲۲).

برخی تعاریف بر هویت و منش اخلاقی و در دسترس بودن ساختارهای اخلاقی برای پردازش اطلاعات اجتماعی تمرکز می‌کنند (لپسلی و نارواز^۹، ۲۰۰۴، ص. ۹-۱۰). برخی دیگر بر نقش "خود" فاعل اخلاقی، مسئولیت و یکپارچگی در تصمیم‌گیری و عمل اخلاقی تأکید دارند (بلازی^{۱۰}، ۲۰۰۹؛ به نقل از لپسلی، ۱۹۹۶، ص. ۲۲۶). رویکردهای دیگری نیز شخصیت اخلاقی را بر حسب صفات تعریف کرده و تلاش نموده‌اند خوشه‌های صفات اخلاقی (مانند اصول^{۱۱}، قابلیت اطمینان^{۱۲}، مراقبت^{۱۳}، انصاف^{۱۴}) را شناسایی

-
1. Moral personality
 2. Moral character
 3. Moral identity
 4. Responsibility
 5. Heinrichs, K.
 6. Oser, F
 7. Lovat, T
 8. Moral psychology
 9. Lapsley, D. K & Narvaez, D. L
 10. Blasi, A.
 11. principles
 12. dependability
 13. care
 14. fairness

یا آن‌ها را با مدل‌های رایج شخصیت (نظیر مدل پنج‌عاملی) مرتبط سازند و ابعاد فردی و اجتماعی عملکرد اخلاقی را مورد توجه قرار دهند (واکر^۱، ۲۰۱۱؛ ناروانز و لپسلی، ۲۰۰۶؛ ۲۰۰۹). همچنین، مدل‌های چندسطحی نیز مطرح شده‌اند که شخصیت اخلاقی را مشتمل بر صفات گرایشی، سازگاری‌های ویژه (انگیزه‌ها و راهبردها) و روایت‌های یکپارچه زندگی (هویت) می‌دانند (مک‌آدامز^۲، ۲۰۰۹). برخی نیز بر مؤلفه‌هایی چون پایداری اخلاقی و هویت اخلاقی با ابعاد مرتبط (دیدگاه‌پذیری، همدردی، نگرش مثبت) تأکید دارند (وارن^۳، ۲۰۰۸). با وجود این تلاش‌ها، هنوز وجه جامع و مشترکی برای سازه شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی ارائه نشده است و تنوع دیدگاه‌ها به ارائه تصویری گاه آشفته از این سازه منجر شده و نظریه‌پردازان در محورهای اصلی تشکیل‌دهنده آن اختلاف نظر دارند (برکویتز و گریچ، ۱۹۹۸؛ لپسلی و ناروانز، ۲۰۱۴؛ ۲۰۰۴).

در سنت اخلاق اسلامی نیز، اخلاق به‌مثابه بخشی از ساختار درونی و پایدار شخصیت انسان تلقی شده و نه صرفاً به سطح رفتارهای ظاهری تقلیل یافته است. این نگرش را می‌توان در آثار برجستگان حکمت و اخلاق اسلامی همچون ابن‌سینا، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، ملا احمد نراقی و فیض کاشانی مشاهده کرد. در آثار این اندیشمندان، اخلاق در قالب «ملکات راسخه نفسانی» تعریف می‌شود که منشأ صدور رفتارهای خودجوش و مکرر است. ابن‌سینا از جنبه‌های علی شخصیت به «خُلُق» تعبیر نموده و در تعریف آن می‌گوید: «خلق ملک‌ه‌ای است که به‌وسیله آن افعال و رفتار به سهولت و بدون تردید از فرد صادر می‌شود». شخصیت سالم از نظر وی بر اساس یک‌سری صفات، تبیین شده که اصول این صفات چهار امر است: عفت، شجاعت، حکمت و عدالت، که به عقیده او ملاک شخصیت سالم وجود ملکه توسط (اعتدال) است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ص. ۴۳۰-۴۲۹). فیض کاشانی در المحجة البیضاء اخلاق را به عنوان «هیئت راسخه‌ای در نفس» معرفی می‌کند که افعال

1. Walker. L. G

2. McAdams, D.

3. Warn. E

نیک یا بد بدون تأمل از آن صادر می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج. ۱، ص. ۱۸۷). ملا احمد نراقی در جامع السعادات نیز بر این امر تأکید دارد که اخلاق «هیئت در نفس» است که منشأ صدور افعال با سهولت می‌گردد و تنها از راه تمرین و تکرار اصلاح‌پذیر است (نراقی، ۱۳۷۵، ج. ۱، ص. ۱۴). خواجه نصیر طوسی در اخلاق ناصری هدف از اخلاق را تعدیل قوای نفسانی و تثبیت ملکات معتدل در انسان معرفی می‌کند (طوسی، ۱۳۷۰، ص. ۹۸). از سوی دیگر، امام محمد غزالی در احیاء علوم الدین صراحتاً اخلاق را «هیئت راسخه‌ای در نفس» می‌داند که اگر منشأ افعال نیک باشد، تنها در آن صورت، فرد متخلق به فضیلت اخلاقی شمرده می‌شود، نه صرف ترک موقتی رفتار ناشایست (غزالی، ۱۴۰۶ق، ج. ۳، ص. ۵۴).

حال، آن مقدار که محقق در منابع داخلی جستجو کرده، پژوهشی پیرامون تدوین مدل مفهومی شخصیت اخلاقی بر اساس منابع اسلامی با رویکرد روان‌شناختی صورت نگرفته است. البته ناگفته نماند که پژوهش‌های مشابه اندکی در این زمینه وجود دارد که البته هرکدام هدف خاص خود را دنبال می‌کنند. به‌عنوان نمونه می‌توان به پژوهش جهانگیری و همکاران (۱۴۰۰) که صرفاً به معرفی و تبیین سازه شخصیت اخلاقی در منابع روان‌شناختی و مفاهیم متناظر آن در منابع اسلامی پرداخته؛ شجاعی (۱۳۸۸) که ریشه‌های روانشناسی صفات در اخلاق را بررسی کرده است؛ شجاعی (۱۳۹۵) که به گردآوری صفات و کشف ساختار شخصیت از منابع اسلامی پرداخته است؛ بشیری (۱۳۸۸) که به تبیین الگوی انسان کامل پرداخته؛ ارشادحسینی و همکاران (۱۳۹۴) که به شناسایی مؤلفه‌های هوش اخلاقی و ساخت آزمون اولیه آن بر اساس منابع اسلامی پرداخته؛ مظفری (۱۳۹۸) که به بررسی ارزش‌های اصلی زمینه‌ساز در رشد شخصیت اخلاقی از منظر قرآن کریم پرداخته است و موسوی اصل و همکاران (۱۳۹۵) که در آن صرفاً اشاره کوتاهی به ارتباط شخصیت اخلاقی با اخلاق فضیلت‌گرا شده است، اشاره کرد.

ازین‌رو، با توجه به اینکه دین آموزه‌های زیادی درباره اخلاق دارد و کسانی که طرفدار دین‌اند معمولاً استدلال می‌کنند که دین با آموزش نظام اخلاقی‌ای که به نفع همه ماست توان عظیمی برای اصلاح

جهان دارد (اسپیلکا^۱ و همکاران، ۱۳۹۰) در این پژوهش براساس کلید واژگان و مفاهیمی که در منابع اسلامی ناظر به توصیف انسان اخلاقی معیار است و به نحوی یک الگوی شبه شخصیتی را بیان می‌کنند، به تدوین مدلی برای سازه شخصیت اخلاقی پرداخته شده است. واژگانی از قبیل محسنین، متقین، صالحین، صابرين و غیره می‌تواند شاخص‌هایی برای توصیف و معرفی شخصیت اخلاقی به دست دهد و این تحلیل ما را بدین مسیر رهنمون شود که یک انسان اخلاقی چگونه فکر، اراده، احساس و عمل می‌کند. ازین‌رو، این پژوهش در پی بررسی پرسش‌های ذیل برآمده است: شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟؛ آیا مولفه‌های مذکور، از روایی محتوا برخوردار است؟؛ این مؤلفه‌ها در چه ساختاری سازمان یافته و روابط میان آنها چگونه است؟

روش پژوهش

به‌طورکلی، این پژوهش، به لحاظ هدف از نوع تحقیقات بنیادی است که در پی افزایش حیطه دانش و آگاهی می‌باشد، و روش آن به لحاظ رویکرد، آمیخته^۲ از نوع طرح متوالی اکتشافی^۳ است. در این پژوهش برای تحقیق کیفی، از روش تحلیل محتوای کیفی شیه و شانون^۴ به شیوه تحلیل محتوای عرفی و قراردادی، و دستگاه کدگذاری به‌منظور جمع‌آوری، توصیف، دسته‌بندی، و تجزیه و تحلیل سازه شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی و برای تحقیق کمی، از روش توصیفی - پیمایشی (میان نظرات کارشناسان) به منظور دستیابی به روایی مفاهیم متناظر شخصیت اخلاقی و مولفه‌های بدست‌آمده آن در منابع اسلامی، استفاده شده است. جامعه متنی پژوهش نیز کلیه جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات و روایات است. روایات استفاده شده بر اساس طبقه‌بندی طباطبایی (۱۳۹۳) در منابع روایی سطوح «الف»، «ب»، و «ج» قرار دارند. جامعه آماری پژوهش را نیز کارشناسان خبره‌ای که در حیطه

-
1. Spilka, B
 2. Mixed method
 3. Exploratory sequential design
 4. Sieh & Shannon

فهم و استنباط منابع اسلامی و رشته روان‌شناسی آگاه و نسبتاً در یک سطح باشند، تشکیل می‌دهد. بدین منظور کارشناسان این پژوهش در تحصیلات حوزوی در سطوح سوم یا چهارم مشغول به تحصیل یا فارغ‌التحصیل بودند، و در تحصیلات آکادمیک روان‌شناسی دارای مدرک تخصصی دکترای یا در حال تدوین پایان‌نامه دکتری بودند. نمونه‌گیری در این پژوهش نیز، در هر دو بخش «جمع‌آوری مستندات قرآنی و روایی به منظور استخراج مولفه‌های شخصیت اخلاقی» و «بررسی روایی محتوایی»، غیر تصادفی^۱ و از نوع هدفمند^۲ بود و تعداد نمونه مورد مطالعه بر اساس اصل اشباع^۳ در نظر گرفته شد. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها (آیات و روایات) با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز^۴، کدگذاری محوری^۵ و کدگذاری گزینشی^۶ انجام شده است. در مرحله کدگذاری باز، محقق داده‌ها را دسته‌بندی می‌کند و برای محتوای داده‌ها مفهومی که به آن کد هم می‌گویند، اختصاص داده می‌شود به‌گونه‌ای که با دیدن این عنوان بتوان پی برد که محتوای این داده به چه چیز اشاره دارد (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۲۰). در اجرای این مرحله، آیات و روایات جمع‌آوری شده برای هر مفهوم به صورت جداگانه در جداول مخصوص خود نوشته شدند و به هر مضمون یک کد اختصاص داده شد و در مجموع ۸۶۵ کد باز اولیه به‌دست آمد که به صورت مفهومی مشخص شدند. مرحله کدگذاری محوری، در خدمت پالایش و متمایز ساختن مفاهیمی است که هم‌اکنون در دسترس‌اند و در مرحله قبل به‌دست آمده و جایگاه مقوله‌ها را در اختیار آن‌ها می‌گذارند (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۲۱). در پژوهش حاضر، با استفاده از کدگذاری محوری به دسته‌بندی و مقایسه عناوین استخراج‌شده در کدگذاری باز پرداخته‌شده است که طی آن، ۱۴ مؤلفه استخراج گردید. در

-
1. Nonrandom
 2. Purposive sampling
 3. Saturation
 4. Open coding
 5. Axial coding
 6. Selective coding

مرحله کدگذاری گزینشی، وجوه مشترک مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از مراحل قبلی، شناسایی و با توجه به اشتراکات، مؤلفه‌ها را در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری سامان‌دهی می‌شوند چراکه بدیهی است که طراحی مدل با تعداد مؤلفه‌های به‌دست‌آمده که معمولاً زیاد هستند دشوار خواهد بود (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۲۲). در این پژوهش، با استفاده از کدگذاری گزینشی وجوه مشترک ۱۴ مؤلفه به‌دست‌آمده از مرحله قبل، شناسایی و با توجه به اشتراکات آن‌ها در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری شامل مؤلفه‌های شناختی، گرایشی و رفتاری تقسیم‌شده‌اند. علاوه‌براین، در بخش کمی، برای بدست‌آوردن میزان توافق کارشناسان و روایی محتوای مفاهیم متناظر شخصیت اخلاقی و مؤلفه‌های آن از روش «CVI» استفاده گردید و در صورتی که «CVI» به‌دست آمده از $0/79$ بالاتر باشد میزان توافق و روایی محتوا مورد تایید خواهد بود (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰، ص. ۳۹۵-۴۵۰).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، مطابق با پرسش‌های پژوهش، در سه قسمت ارائه می‌گردد:

الف) تبیین مؤلفه‌های نظری شخصیت اخلاقی

در این قسمت، ابتدا مفاهیم متناظر شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی و میزان روایی آنها توسط کارشناسان بیان شده، سپس منبع بنیادین و سایر مؤلفه‌های این سازه تحت ابعاد سه‌گانه شناختی، گرایشی و رفتاری تبیین شده و در پایان میزان روایی مؤلفه‌ها توسط کارشناسان بیان خواهد شد. لازم به ذکر است قرار دادن هر مؤلفه تحت یکی از ابعاد سه‌گانه شناختی، گرایشی و رفتاری، براساس وجه غالب آن بوده است. بنابراین ممکن است یک مؤلفه ذیل ابعاد دیگر هم قابل تبیین باشد.

مفاهیم متناظر شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی

براساس تعاریف بدست‌آمده از منابع روان‌شناختی، منابع اخلاق اسلامی و کتب لغت می‌توان دو ملاک را برای انتخاب مفاهیم مرتبط با شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی در نظر گرفت: الف- واژگانی که ناظر به توصیف یک انسان اخلاقی معیار و تبیین یک الگوی شبه شخصیتی در بعد اخلاقی

می‌باشند؛ ب- واژگانی که ناظر به معرفی و تبیین هسته و محور اصلی ویژگی‌های اخلاقی می‌باشند. ملاک اول مفاهیم و واژگانی را در بر می‌گیرد که ناظر به وجود مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، سازوکارها و روندهایی در یک فرد اخلاقی است. بنابراین، از واژگانی استفاده شده است که بصورت اسم فاعل و یا صیغه مبالغه آمده و نشانگر ثبوت شاخص‌های فوق در سرتاسر زندگی فرد می‌باشد. ملاک دوم نیز مفاهیمی و واژگانی را در بر می‌گیرد که ناظر به معرفی و تبیین هسته، پایه و اساس اخلاقیات در یک فرد می‌باشد. بنابراین، از مفاهیمی استفاده شده است که نقش محوری و کلیدی در اخلاقی بودن یک فرد ایفا می‌کنند و در نهایت ما را بدین مسیر رهنمون می‌شود که یک انسان اخلاقی معیار، چگونه فکر، اراده، احساس و عمل می‌کند. این مفاهیم عبارتند از: متقین، محسنین، مستحیی، صالحین، صابریں، صدیقین، کرما، شرفا، عقلا، ابرار، و عدول.

بررسی ضریب نسبت روایی محتوا (CVI)

به منظور اجتناب از استنتاج‌ها و سوگیری‌های شخصی محقق و نیز استفاده از نظر کارشناسان، پرسشنامه‌ای تنظیم گردید. در این پرسشنامه، ابتدا تعریف شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی و در ادامه مفاهیم مورد نظر به همراه تعاریف آن‌ها مشخص شدند. سپس این پرسشنامه، در اختیار ۶ نفر از متخصصان علوم اسلامی و روان‌شناسی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد میزان ارتباط (کاملاً مرتبط، مرتبط اما نیاز به بازبینی، نیاز به بازبینی جدی، غیر مرتبط) مفاهیم پیشنهادی را با تعریف شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی مشخص نمایند. نتایج به دست آمده از نظر متخصصان در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج نظرات کارشناسان پیرامون ارتباط مفاهیم پیشنهادی با تعریف شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی

ردیف	واژگان	نظرات کارشناسان						نمره «CVI»	تایید یا رد
۱	متقین	الف	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۲	محسنین	الف	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۳	صالحین	الف	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید

ردیف	واژگان	نظرات کارشناسان						نمره «CVI»	تایید یا رد
		الف	ب	الف	ب	الف	ب		
۴	صدیقین	الف	ب	الف	الف	ب	الف	۱	تایید
۵	صابرین	الف	الف	الف	ب	الف	الف	۱	تایید
۶	کرما	ب	ب	الف	ب	الف	ب	۱	تایید
۷	شرفا	ب	ب	ب	الف	ج	ب	۰/۸۳	تایید
۸	ابرار	الف	الف	ج	الف	ب	الف	۰/۸۳	تایید
۹	عادل (عقل)	الف	ب	الف	ب	الف	الف	۱	تایید
۱۰	مستحی (حیا)	الف	ب	الف	ب	الف	الف	۱	تایید
۱۱	عادل (عدل)	ب	ب	الف	الف	ب	ب	۱	تایید

در این بخش، برای به دست آوردن میزان توافق کارشناسان و روایی محتوا، از شاخص نسبت روایی محتوا «CVI» استفاده گردید. در صورتی که «CVI» به دست آمده از «۰/۷۹» بالاتر باشد میزان توافق و روایی محتوا مورد تأیید خواهد بود. نمره «CVI» از تقسیم تعداد گزینه‌های الف و ب بر تعداد داوران بدست می‌آید (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰). همان‌گونه که در جدول ۱ - ۴ مشاهده می‌شود، روایی بدست آمده از مفاهیم متقین، محسنین، مستحیی، صالحین، صابرین، صدیقین، عاقل، عادل، و کرما «۱»، و روایی مفاهیم ابرار و شرفا «۰/۸۳»، بدست آمد. بنابراین، تمامی ۱۱ مفهوم پیشنهادی مورد تأیید قرار گرفتند.

منبع بنیادین شخصیت اخلاقی

ایمان (بقره، ۱۷۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۴۲؛ همان، ص. ۵۲) به همراه لوازم و متعلقات آن از جمله توحید و ولایت‌پذیری (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج. ۲، ص. ۱۳۲؛ همان، ۱۳۹۵، ج. ۲، ص. ۱۴؛ همان، ۱۴۰۳، ج. ۱، ص. ۱۲۵ کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۱، ص. ۱۸۱)، به‌عنوان منبع بنیادین شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی محسوب می‌شود. مقصود از منبع بنیادین این است که سایر مؤلفه‌های شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی در قلمرو و بستر ایمان معنا پیدا می‌کنند. به‌عنوان نمونه در روایتی باور به وحدانیت خداوند به‌عنوان شعار و نماد تقوی و پرهیزگاری معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج. ۱، ص. ۲۵۰). همچنان‌که ایمان نیز به‌عنوان نماد

تقوی ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۱۵) و یا در روایت دیگری توحید از نشانگان ابرار دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۸، ص. ۲۴۲). توضیح آنکه، در منابع دینی، ایمان به دو معنای عام و خاص به کار رفته است: معنای عام، یعنی اعتقاد قلبی به تمامی آموزه‌های پیامبر اسلام، و معنای خاص، علاوه بر معنای اول، همراه با اعتقاد به امامت و ولایت ائمه دوازده گانه است (هاشمی شاهرودی و همکاران، ۱۴۲۶، ج. ۱، ص. ۷۸۷). در قرآن کریم، مصادیقی برای ایمان بیان شده است؛ از جمله ایمان به خدا (به عنوان نمونه، بقره، ۲۵۶ و ۱۸۶؛ آل عمران، ۵۲، ۱۱۰، ۱۹۳؛ نساء، ۱۷۵)، ایمان به همه پیامبران (آل عمران، ۱۷۹؛ حدید، ۱۹؛ بقره، ۱۷۷؛ نساء، ۱۳۶)، ایمان به آنچه از سوی خداوند بر پیامبران نازل شده است؛ مانند کتاب‌های آسمانی (بقره، ۱۳۶؛ نساء، ۱۶۲)، ایمان به روز قیامت (بقره، آیه ۶۲، ۸، ۱۲۶، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۶۴)، ایمان به فرشتگان (بقره، ۲۸۵ و ۱۷۷) و ایمان به غیب (بقره، آیه ۴). لازم به ذکر است، متکلمان شیعه، لازمه ایمان را باور به توحید، عدل الهی، معاد، پیامبران و اعتقاد به امامت امامان معصوم بعد از پیامبر دانسته‌اند (غزالی، ۱۴۱۶، ص. ۱۴۵؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص. ۱۴۴ و ۱۶۴).

مؤلفه‌های شناختی شخصیت اخلاقی

یکی از مهم‌ترین عوامل در رفتار دینی، شناخت است (مظاهری و پسندیده، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۲). مؤلفه‌های شناختی، مربوط به شناختی است که به افراد برای ایجاد یا تقویت انگیزه برای رفتار خاصی بینش می‌دهند. جایگاه شناخت در ذهن است که به کمک فرایندهای ذهنی خاصی تحقق می‌یابد (ربر، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۳ و فیروزیان، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۰).

۱. هشبیری معنوی

این مؤلفه شامل باور به حضور ناظر محترم، یاد مداوم خداوند، ادراک عظمت خداوند و کوچکی مخلوقات، و ادراک حقیقت بهشت و جهنم می‌شود. شخصیت اخلاقی به شخصیتی اطلاق می‌شود که عظمت خالق و کوچکی مخلوقات را عمیقاً درک کرده (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)؛ لحظه‌ای از یاد معبود غافل نبوده (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۷۴) و هر لحظه او را ناظر بر اعمال و کردار خود می‌بیند (مجلسی، ۱۴۰۳،

ج. ۷۵، ص. ۲۲۸). بعبارت دیگر، چنین شخصیتی، دائماً حضور ناظر محترمی همچون خداوند، ملائکه (تفسیر عیاشی، ج. ۲، ص. ۱۶۳) و ائمه علیهم‌السلام را در زندگی خود درک می‌کنند. بعلاوه، درجه ایمانشان به وعده و وعیدهای خداوند به جایی رسیده است که نسبت به بهشت و دوزخ ذره‌ای تردید ندارند و حقیقت آن را درک می‌کنند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

۲. خودارزیابی مستمر

این مولفه شامل خودمحاسبه‌گری و خود نظارت‌گری می‌باشد. شخصی که اهل خودارزیابی نیست، از پیروان واقعی اهل بیت علیهم‌السلام محسوب نمی‌شوند (حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۳۸۳). این مسأله بقدری حائز اهمیت است که در روایتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید انسان هرگز اهل تقوی نخواهد شد مگر این که در حسابرسی خویش سختگیرتر باشد؛ حتی سخت‌گیرتر از حساب شریک نسبت به شریکش (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج. ۲۶، ص. ۱۹۶). ازین‌رو، شخصیت اخلاقی به شخصیتی اطلاق می‌شود که بطور مداوم از خود حسابرسی کرده، و ناظر بر نیات و کردار خود می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۵۹، ص. ۲۶۰ و ۲۶۱).

۳. اندیشه‌ورزی سعادت‌نگر

این مولفه، شامل مواردی از قبیل خداشناسی، خودشناسی، بینش اجتماعی - فرهنگی، تدبیر، بصیرت و درک بهترین منافع خود (کیاست) می‌باشد. توضیح آنکه، یکی از مهم‌ترین مسائلی که بشر با آن مواجه است خداشناسی است. خداشناسی به این معناست که انسان به حقیقتی برسد که درک کند خداوند علت و خالق اوست و او عین نیاز و متعلق به خداوند است (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۱، ص. ۲۹، ح. ۳۵؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج. ۱، ص. ۱۰۲). علاوه‌براین، یکی از پایه‌های اصلی پرورش فضائل اخلاقی و تکامل معنوی، خودشناسی است و تا انسان این مرحله دشوار را پشت سر نگذارد، به هیچ‌یک از مقامات معنوی نخواهد رسید (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۵۲، ح. ۳۷۳). بعلاوه، یکی دیگر از مهمترین ویژگی‌های شخصیت اخلاقی، فهم درست و آگاهی عمیق و ارائه تحلیل دقیق نسبت به عملکرد مردم زمانه است. وی، گروه‌های حق و باطل و پیروان آنها را از یکدیگر تشخیص می‌دهد و در مسیر حق استقامت می‌ورزد

(مانده، ۸۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج. ۴، ص. ۳۹۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۱، ص. ۱۶؛ همان، ج. ۲، ص. ۱۳۲). در واقع، شخصیت اخلاقی، نسبت به مسائل، رویدادها، تحولات و جریان‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی زمانه‌اش، بیدار است (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۱۱۶، ح. ۲۰) و آگاهی و بصیرت کامل دارد (اعراف، ۲۰۱؛ انفال، ۲۹) و در نهایت چنین شخصیتی، دست به انجام کاری نمیزند مگر اینکه ابتدا از تمام جوانب آن آگاهی یافته و نسبت به آثار و پیامدهای آن (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج. ۱۱، ص. ۲۶۱) شناخت داشته باشد، بگونه‌ای که بهترین منافع عاید او شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۸، ص. ۸۱). بنابراین، با توجه به آنچه در تبیین این مولفه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت، شخصیت اخلاقی در حیطة توانش‌های شناختی، و در مقام پردازش‌های فکری در بستر ایمان و با توجه به سعادت انسانی پیش می‌رود.

۴. خوش‌بینی - رضایت

این مولفه شامل خوشبینی به خداوند و مردم، رضایت از زندگی و تسلیم بودن در برابر قضای الهی می‌باشد. در احادیث فراوانی، خوش‌بینی نسبت به مردم و خداوند مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، تا حدی که خوش‌بینی در روایات از ویژگی‌های بارز افراد عاقل شمرده شده است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۱۷۴). خوش‌بینی نسبت به مردم نیز، از ویژگی‌های نسان عادل برشمرده شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج. ۴، ص. ۳۹۰). این مولفه‌گرایی شامل، رضایت از زندگی و تسلیم در برابر قضای الهی نیز می‌باشد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۳۵۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۳، ص. ۲۲۲؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج. ۱، ص. ۵۶). در واقع، شخصیت اخلاقی از زندگی خود ارزیابی مثبتی دارد. امام علی علیه السلام درباره رضایت از زندگی سه جمله پر معنی دارد که می‌فرماید هرگاه آنچه را خواستی نشد، آنچه را شد، بخواه (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۹۰) و هرگاه آنچه را خواستی نشد، آنچه را هست، سخت مگیر (نهج البلاغه، حکمت ۶۹) و اگر آنچه را خواستی نشد، اهمیت نده که چگونه هستی (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۴۸۰). اگر انسان زندگی را سخت نگیرد و آنچه را هست بپذیرد، اولاً، توانایی واکنش مثبت به امور زندگی را به دست می‌آورد و ثانیاً، در آرامش خاصی زندگی خواهد کرد. بنابراین، شخصیت اخلاقی، در زندگی خود کاملاً خوش

بین است و نسبت به آنچه خداوند برای او در زندگی در نظر گرفته، رضایت دارد.

مؤلفه‌های گرایشی - انگیزشی

گرایش میل باطنی به انجام کاری است. امیال انسانی در حقیقت بستری است که در آن اراده و رفتار اختیاری ممکن خواهد شد و اصولاً کار ارادی بدون میل تحقق نمی‌پذیرد و این میل در شرایط ویژه‌ای شکل می‌گیرد، تشخیص و تعیین می‌یابد و به تحقق اراده در نفس منتهی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص. ۴۲۱). انگیزش نیز به معنی جنبش و حرکت و در واقع يك حالت درونی است که رفتار انسان را انرژی بخشیده، فعال ساخته، به حرکت درآورده و به سوی اهداف معینی هدایت می‌کند. به عبارتی انگیزش، رفتار جستجو و تعقیب هدف و همچنین ارضای نیاز انسان است (بیژنی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۱). بنابراین، مؤلفه‌های گرایشی و انگیزشی به آن دسته از مؤلفه‌هایی که به امیال، اراده، انگیزه و عواطف انسانی مربوط می‌شود، اشاره دارد.

۱. هیجان‌پذیری خداسو

این مؤلفه، شامل محبت به خداوند و اولیائش (تولی) و دوری‌گزینی از دشمنان خداوند و اولیائش (تبری) (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۱۳۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۸، ص. ۲؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ج. ۲، ص. ۴۳۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص. ۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج. ۱، ص. ۱۹۲؛ تالم و ناراحتی از عقاب متوقع به سبب عمل به منهیات و ارتکاب جرایم و کوتاهی کردن در انجام وظایف دینی (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۵۰)؛ ترس از عظمت خداوند (صحیفه سجادیه، دعای ۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۵۹۳) و نیز غم و اندوه ناشی از غلبه ظلم و فساد در جامعه می‌باشد.

۲. اعتماد و امید به خدا

این مؤلفه شامل اعتماد، اطمینان و امید به حسن تدبیر خداوند می‌باشد (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص. ۱۹۶؛ کافی، ۱۴۰۷، ج. ۱، ص. ۲۰-۲۳). امید به خداوند انگیزه خوبی برای سلوک اخلاقی انسان است (مجموعه نویسندگان، ۱۳۸۹، ج. ۱، ص. ۳۳۴)؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «خدایا امید به تو بستم تا راهنمایم

باشی به اندوخته‌های آموزش و گنجینه‌های بخشایش» (نهج البلاغه، خطبه ۹۱). در روایتی دیگر نیز، حضرت می‌فرماید شخص متقی، کسی است که اطمینان او تنها به خالق جهانیان است و تنها از او توقع حصول خیر دارد. بنابراین، امید به خداوند متعال، از جمله مولفه‌های مهم شخصیت اخلاقی در بعد الهی می‌باشد که اطمینان او تنها به خالق جهانیان است و تنها از او توقع حصول خیر دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۱۳۶).

۳. همت متعالی

این مؤلفه بیانگر اهداف بلند، انگیزه قوی، و تلاش فرد در راه رسیدن به اهداف می‌باشد. در اهمیت این خصیصه همین مقدار بس که در منابع اسلامی به‌عنوان شرافت و بزرگواری آدمی ذکر شده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج. ۲۶، ص. ۲۶۰). بلند همت کسی را گویند که نظر به سعادت و شقاوت دنیوی و شهرت ندارد و از تعریف مردم شاد و از تنقید آنان متأثر نمی‌گردد و از هیچ چیزی نه‌راسد و تحمل سختی‌ها بنماید حتی سختی مرگ را نیز کوچک بشمرد (ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ص. ۴۳). در واقع، فرد برای رسیدن به سعادت، هدف‌گذاری کرده و سپس در راه رسیدن به آن تمام سختی‌ها را تحمل نموده و تمام تلاش خود را نیز در این راه مصروف می‌دارد. از این رو، وی همواره دغدغه اصلاح خود و جامعه را داشته (آل عمران، ۱۱۴؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۶۷) و بدون هیچ منتی در کار خیر از دیگران سبقت می‌گیرند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲؛ صحیفه سجاده، دعای ۲۰) و در این عرصه پیشتاز هستند.

۴. طمأنینه - استقامت

این مولفه شامل عدم گلیه از خداوند، قوت قلب داشتن به هنگام سختی (شجاعت)، صبر بر مصایب، صبر در مقابل تکالیف دینی، و استقامت در مقابل حوادث تلخ زندگی می‌شود. یکی از ویژگی‌های مردم صالح و باتقوا که در فرازی از دعای نورانی مکارم الاخلاق آمده است، متانت، وقار و آرامش در زندگی فردی و اجتماعی است که از آن به «سکون الريح» تعبیر شده است (صحیفه سجاده، دعای ۲۰). در روایات دیگر نیز، یکی از ویژگی‌های انسان خردمند سکینه می‌باشد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶،

ج. ۱، ص. ۵۶؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۸۶). در واقع، شخصیت اخلاقی به شخصیتی اطلاق می‌شود که هیچ‌گاه در برابر مصائب، گرفتاری‌ها و بلاهایی که بر او وارد می‌شود، شکوه، بی‌تابی و گلایه‌ای نمی‌کند (دیلمی، ۱۴۱۲، ج. ۲، ص. ۳۷۴؛ همان، ص. ۹۳). بعبارت دیگر، چنین شخصیتی به هنگام شدائد و سختی‌های روزگار از قوت قلب برخوردار است، چیزی که از آن به‌عنوان شجاعت نیز یاد می‌کنند (نهج البلاغه، حکمت ۴؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۲۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۸، ص. ۱۷۳). عملاً می‌توان گفت شخصیت اخلاقی در مقابل اوامر و نواهی الهی مقاوم بوده و خویشترداری خود را حفظ می‌کند، چیزی که در منابع اسلامی از آن به صبر تعبیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۱، ص. ۲۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۷۵؛ همان، ص. ۹۱). بنابراین، یکی از مولفه‌های شخصیت اخلاقی سخت‌رویی و مقاومت در برابر انجام تکالیف دینی و ناملایمات روزگار و تاب‌آوری در مقابل آنها می‌باشد.

۵. بی‌نیازی - عدم تعلق

این مولفه شامل بی‌رغبتی به دنیا، و عدم تعلق به اموال و دیگران می‌باشد. شخصیت اخلاقی رغبتی به دنیا و آنچه در آن است ندارد. چیزی که در برخی از روایات از آن گاهی به زهد تعبیر شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۲۲۵؛ همان، ص. ۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۵۰). علاوه‌براین، در آیات، با تعبیر مختلفی می‌توان این مولفه را استخراج کرد. به‌عنوان مثال برخی از روایات، اشاره به این دارد که افراد با تقوا به حداقل دنیا کفایت می‌کنند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۱۳۲؛ همان، ج. ۱، ص. ۱۷). و یا در برخی دیگر از روایات، عدم تعلق به اموال و دیگران از ویژگی‌های اهل تقوا ذکر شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج. ۴، ص. ۴۱۰).

مولفه‌های رفتاری

رفتار شامل فعالیت‌ها، پاسخ‌ها، واکنش‌ها، حرکات و کارکردهایی می‌شود که نمود عینی و خارجی دارد تا نمودی ذهنی و انتزاعی (ربر، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۵).

۱. انضباط رفتاری

این مولفه شامل خویشترداری نسبت به محرّمات، شبهات، رذائل اخلاقی و التزام عملی به فضائل

اخلاقی می‌باشد. شخصیت اخلاقی، قدرت فوق العاده‌ای در کنترل غرائز، شهوات و هواهای نفسانی دارد (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳؛ همان، خطبه ۸۷). آنها نه تنها از گناهان و محرمات الهی پرهیز می‌کنند، بلکه حتی از آنچه خوف از آن نمی‌رود و جای پرهیز ندارد نیز اجتناب می‌کنند، تا مبدا مرتکب امور مشتبه شوند (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج. ۱، ص. ۲۴؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج. ۱۷، ص. ۳۲۳). از سویی دیگر آنها در انجام واجبات و مستحبات و سایر محسنات اخلاقی در بعد رفتار، نیز سرآمد هستند (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص. ۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج. ۴، ص. ۳۹۹).

۲. میانه‌روی

این مولفه شامل رعایت مساوات و برابری در بعد فردی و اجتماعی می‌باشد. اعتدال و میانه‌روی، به معنای گزینش راه میانه و عدم تمایل به افراط و تفریط یکی دیگر از مولفه‌های شخصیت اخلاقی می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۴، ص. ۵۳؛ همان، ج. ۱، ص. ۲۰-۲۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج. ۱، ص. ۲۵۷). به‌عنوان نمونه امام علی علیه السلام در ذکر ویژگی‌های پرهیزگاران یکی از ویژگی‌های آنان را میانه‌روی ذکر می‌کنند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

۳. معاشرت نیکو

این مولفه شامل مواردی همچون خوش خلقی، خوش رفتاری، دیدار با خویشاوندان، نرمی گفتار و پیروی و همنشینی با افراد عالم، صداقت، و هرآنچه حاکی از معاشرت نیکوی افراد در جامعه است، می‌باشد. یکی از زیورهای متقین که در دعای مکارم اخلاق آمده است «حُسن السیرة» و «طیب المخالقة» است (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰). حسن سیره در زندگی، به معنای برخورد خوب انسان با دیگران، اعم از اعضای خانواده، دوستان و حتی شامل برخورد انسان با دشمن خود نیز می‌شود، چنانچه سبک رفتار انسان با حیوانات را هم شامل می‌شود. طیب المخالقة نیز به معنای خوش رفتاری با دیگران می‌باشد. در روایت دیگری ارتباط با خویشاوندان نیز، به‌عنوان علامتی برای افراد پرهیزگار دانسته شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج. ۲، ص. ۴۸۳). علاوه بر این صداقت و روراستی در گفتار و کردار نیز

از جمله فضائل اخلاقی است که در ذیل معاشرت نیکو جای می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص. ۴۱۹؛ تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۲۱۲؛ لینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص. ۱۰۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۴۸۳). همچنین براساس روایات قدردانی از دیگران، به‌عنوان فضیلتی اخلاقی مورد تأیید و تأکید عقلا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص. ۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص. ۲۴۶) و از ویژگیهای افراد کریم ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص. ۲۸). شخصیت اخلاقی، از نوعی عاطفه اجتماعی برخوردار بوده و نسبت به مساکین و سایر افراد مهرورزی دارند. ازین‌رو، رفتارهایی از قبیل اصلاح ذات‌البین، خاموش کردن آتش فتنه‌ها و جمع کردن افرادی که از یکدیگر دور شده‌اند، ترحم و مهرورزی نسبت به آنها همگی، در زمره انگیزه‌های خیرخواهانه می‌باشد (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰). بنابراین، معاشرت نیکو از جمله مولفه‌های رفتاری شخصیت اخلاقی است، که آداب معاشرت زیادی را در ذیل خود جای می‌دهد.

۴. یاری‌گری ایثارگرانه

این مولفه شامل هر نوع رفتار حمایتی و یاری‌گرانه و احسان‌ورزی از قبیل کمک به ضعیفان، قرض دادن به دیگران، مهلت دادن به مقروضین، می‌باشد. شخصیت اخلاقی به شخصیتی اطلاق می‌شود که در حال وسعت و تنگدستی دست از انفاق بر نداشته و همواره دستگیر نیازمندان می‌باشد (آل عمران، ۱۳۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص. ۱۴۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص. ۱۳۲). آنها به قرض دادن و مهلت به مقروضین اهمیت زیادی می‌دهند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص. ۶۳۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص. ۲۸۹).

۵. رفق و مدارا (رواداری اجتماعی)

این مولفه شامل هرگونه رفتار مداراگونه از قبیل بخشش و گذشت از دیگران، موافقت با دوستان و نیکی در مقابل بدی دیگران و حتی خوش‌رفتاری با اهل باطل با حفظ تقیه می‌باشد. در روایتی از رسول اکرم ﷺ، ایشان خردمندترین مردم را، مداراکننده‌ترین آنها با مردم می‌دانند (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص. ۳۹۵). در روایتی دیگری حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «دوستت را با احسان و نیکی به او سرزنش کن» (نهج البلاغه، حکمت، ۱۵۸). در روایتی از امام حسن علیه السلام درباره شرافت سوال شد، حضرت فرمودند:

«شرافت یعنی موافقت و سازگاری با دوستان و حفظ همسایگان» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص. ۲۴۱). چشم پوشی از خطا و اشتباهات دیگران نیز از شریف‌ترین اعمال کریمان شمرده شده است. شخصیت اخلاقی، عملاً اهل گذشت و بخشش از دیگران است (آل عمران، ۱۳۴؛ بقره، ۲۳۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۲، ص. ۷۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص. ۱۸۳). لازم به ذکر است گاهی در روایات، توصیه به رفق و مدارا با اهل باطل به همراه تقیه نیز آمده است و از آن به‌عنوان یکی از خصلت‌های صالحین ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص. ۲).

ب) بررسی ضریب نسبت روایی محتوای (CVI) مولفه‌های شخصیت اخلاقی

بعد از به دست آوردن مولفه‌های شخصیت اخلاقی براساس منابع اسلامی، به منظور اطمینان بیشتر، مولفه‌های بدست‌آمده، به همراه توضیح مختصری پیرامون آنها و مستنداتشان در قالب یک فرم ارزیابی، در اختیار ۶ نفر از کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی قرار گرفت تا آن‌ها را از لحاظ روایی محتوایی ارزیابی کنند. از آن‌ها خواسته شد تا میزان تطابق مولفه‌ها با مستنداتشان را با یکی از چهار گزینه کاملاً مرتبط، مرتبط اما نیاز به بازبینی، نیاز به بازبینی جدی، غیرمرتبط، مشخص کنند. نظرات کارشناسان به همراه نتایج آن در جهت تأیید یا رد هر مفهوم در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج بررسی کارشناسان پیرامون مولفه‌های شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی

ردیف	مولفه	نظرات کارشناسان					نمره «CVI»	تایید یا رد
۱	ایمان (منبع بنیادین)	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۲	هشیاری معنوی	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۳	خودارزیابی مستمر	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۴	اندیشه‌ورزی سعادت‌نگر	الف	الف	الف	الف	ب	۱	تایید
۵	خوش‌بینی - رضایت	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۶	هیجان‌پذیری خداسو	الف	الف	ب	الف	الف	۱	تایید
۷	اعتماد و امید به خدا	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۸	همت متعالی	ب	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۹	طمأنینه - استقامت	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید

ردیف	مؤلفه	نظرات کارشناسان					نمره «CVI»	تایید یا رد
		الف	الف	الف	الف	الف		
۱۰	بی‌نیازی - عدم تعلق	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۱۱	انضباط رفتاری	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۱۲	میانه‌روی	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۱۳	معاشرت نیکو	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۱۴	یاری‌گری ایثارگرانه	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید
۱۵	رفق و مدارا (رواداری اجتماعی)	الف	الف	الف	الف	الف	۱	تایید

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از نظرات کارشناسان تمام مؤلفه‌های بدست‌آمده از منابع اسلامی، مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت. زیرا در صورتی که «CVI» به‌دست‌آمده از ۷۹ درصد بالاتر باشد میزان توافق و روایی محتوا مورد تأیید خواهد بود. نمره «CVI» با تقسیم کردن تعداد گزینه‌های «الف» و «ب» بر تعداد داوران محاسبه می‌شود (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰). و همان‌طور که در جدول ۲-۴ قابل مشاهده است، تمامی نمرات حاصل از ارزیابی کارشناسان «۱» به‌دست آمده است. لازم به ذکر است منبع بنیادین این سازه نیز مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت.

ج) تبیین روابط میان مؤلفه‌های شخصیت اخلاقی

در این قسمت ابتدا رابطه ایمان به‌عنوان منبع بنیادین شخصیت اخلاقی با سایر مؤلفه‌های آن و سپس رابطه سایر مؤلفه‌ها با یکدیگر سنجیده خواهد شد.

رابطه ایمان و سایر مؤلفه‌های شخصیت اخلاقی

در بخش اول این مدل، ایمان به همراه لوازم و متعلقات آن از جمله توحید و ولایت‌پذیری، در رأس مدل مفهومی شخصیت اخلاقی قرار دارد. براساس مستندات که در بخش منابع بنیادی و پایه شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی مطرح شد، ایمان و لوازم و متعلقات آن به‌عنوان بستر و زمینه‌ای برای شکل‌گیری و تحقق شخصیت اخلاقی، از اهمیت و ضرورت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. رابطه ایمان و اخلاق الهی، رابطه زیربنا و روبنا است. تا ایمان به الله و صفات و اسما و افعال و انبیا و

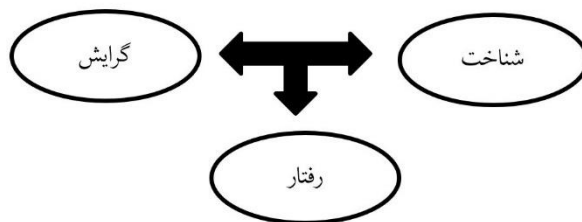
اولیا و لقاء الله و آنچه انبیای الهی آورده‌اند به‌عنوان زیربنای اخلاق الهی در وجود انسان متحقق نشود هیچگاه در وجود او، اخلاق الهی محقق نمی‌شود. به‌عنوان نمونه، باور به وحدانیت خداوند، در روایات به‌عنوان نماد و شعار تقوی و پرهیزگاری ذکر شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵ج، ۱، ص. ۲۵۰). علاوه‌براین، با توجه به آنچه در روایات از اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است، همچنین، ولایت‌پذیری از جمله منابع بنیادی و زمینه‌ساز پرهیزگاران به‌عنوان یکی از الگوهای شخصیتی اخلاق‌مدار است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ج، ۲، ص. ۱۳۲؛ همان، ۱۳۹۵ج، ۲، ص. ۱۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ج، ۱، ص. ۱۸۱).

رابطه سایر مؤلفه‌های شخصیت اخلاقی با یکدیگر

بطور کلی، براساس آنچه محقق در روند پژوهش بدان دست یافته است، رابطه عمیق و درهم تنیده‌ای میان سه بعد شناخت، گرایش، و رفتار وجود دارد. توضیح آنکه، در بررسی مولفه‌های بدست‌آمده از منابع اسلامی پیرامون سازه شخصیت اخلاقی، می‌توان به دو خاصیت اساسی «ادراک» و «حرکت ارادی» در شخصیت اخلاقی دست یافت. یکی دستگاه ادراک و دیگری دستگاه اراده است. در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است، که به «شناخت و یا بینش» تعبیر می‌شود و در اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد که به «گرایش» تعبیر می‌شود. این دو عامل اساسی، یعنی «شناخت» و «گرایش» موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌شود. بنابراین، رفتار الگوی شخصیتی اخلاق‌مدار، متأثر از تعامل میان شناخت‌ها و گرایش‌های او می‌باشد. به‌عنوان مثال اگر شخصیت اخلاقی را به ماشینی تشبیه کنیم، از یک طرف، گرایش عامل اصلی حرکت است یعنی به‌منزله موتور است که انرژی لازم برای حرکت را تولید می‌کند. از طرف دیگر، علم و آگاهی به‌عنوان مشعلی در تاریکی، مسیر حرکت را مشخص می‌سازد و در نهایت، از تعامل میان این دو عنصر حیاتی، رفتار اخلاقی بوجود می‌آید. تعامل آنها بدین‌گونه است که از طرفی، شناخت حقیقت را برای ما روشن می‌کند و حق و باطل را به ما می‌شناساند، سپس گرایش‌هایی که به‌طور فطری در ما وجود دارد، پس از شناخت، مصداق خود را پیدا می‌کند و بدین ترتیب علم، به شکوفایی آن گرایش‌ها و تأثیر عملی آن‌ها کمک خواهد کرد. و از طرفی

دیگر، گاهی گرایش‌ها نیز، بر شناخت‌های آدمی تاثیرگذار هستند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت، از سویی، مولفه‌های رفتاری شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی، متأثر از گرایش‌ها بوده و گرایش به منزله‌ی موتور، انرژی رفتار را تأمین می‌کند. از سویی دیگر، مولفه‌های شناختی شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی همانند چراغ و مشعلی در تاریکی به افراد بینش داده و با تاثیر و جهت‌دهی به امیال زمینه ایجاد انگیزه یا تقویت انگیزه برای مولفه‌های رفتاری شخصیت اخلاقی را فراهم می‌کنند.

شکل (۱): رابطه ابعاد شناختی، گرایشی، و رفتاری در مدل شخصیت اخلاقی بر اساس منابع اسلامی



در بخش دوم این مدل، به معرفی مولفه‌های شناختی (هشیاری معنوی، خودارزیابی مستمر، اندیشه‌ورزی سعادت‌نگر و خوش‌بینی - رضایت)؛ گرایشی (هیجان‌پذیری خداسو، اعتماد و امید به خدا، همت متعالی، طمأنینه - استقامت و بی‌نیازی - عدم تعلق) و تعامل میان آن دو پرداخته شده است. در ادامه با توجه به مستندات روایی (روایات تبیینی) به بیان چند نمونه از این روابط و تعامل میان شناخت و گرایش که منجر به رفتار اخلاقی می‌شود می‌پردازیم. به‌عنوان نمونه، خودارزیابی مستمر با تاثیر بر طمأنینه - استقامت، منجر به انضباط رفتاری می‌شود. در روایتی امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «نفسهای خود را با حسابرسی به بند کشید» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۵۱۰). یا در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «بر هر مسلمانی که نسبت به ما معرفت دارد، لازم است در هر شبانه روز، عمل خود را بررسی کند و حسابرس نفس خویش باشد. اگر دید کار خوبی انجام داده است، به دنبال بیشتر از آن باشد و اگر دید کار بدی از او سر زده است، استغفار کند، تا در روز رستاخیز سرشکسته و

رسوا نشود)) (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص. ۲۷۱). همانطور که در این دو روایت ملاحظه می‌شود، خودارزیابی مستمر (حسابرسی) با تأثیر آن بر طمأنینه - استقامت (به بند کشیدن نفس) منجر به انضباط رفتاری (انجام عمل نیک و پرهیز از عمل بد) خواهد شد.

شکل (۲): تأثیر شناخت بر گرایش



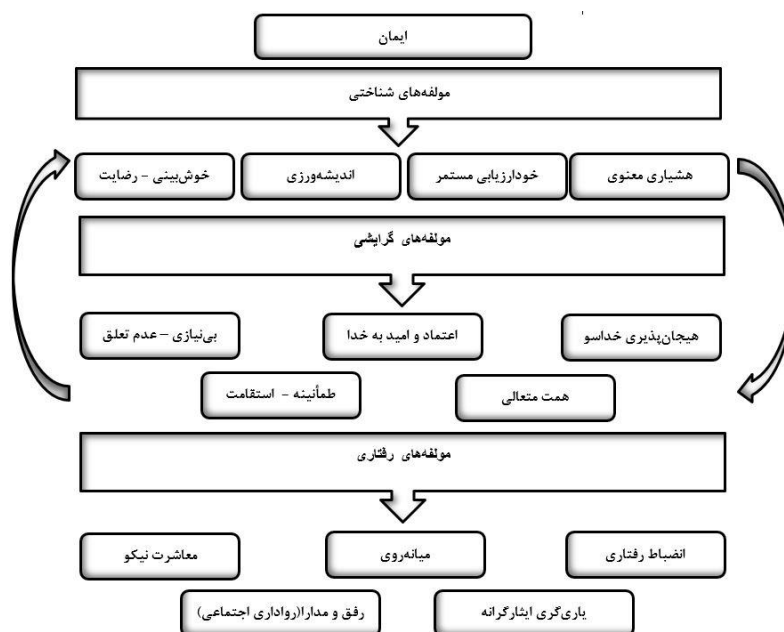
از سویی دیگر، می‌توان گفت هیجان‌پذیری خداسو منجر به خودارزیابی مستمر می‌شود. شخصیت اخلاقی دائماً خود را ارزیابی می‌کند تا مبدا نسبت به وظایف خود کوتاهی کرده باشد. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از نفس‌های خود حساب بکشید، پیش از آن که از شما حساب بکشند؛ زیرا در قیامت، پنجاه موقف حسابرسی است و توقف در هر موقفی هزار سال به درازا می‌کشد. امام علیه السلام سپس این آیه را تلاوت کرد: «در روزی که اندازه آن پنجاه هزار سال است» (مفید، ۱۴۰۳، ص ۳۲۹). براساس این روایت، شخصیت اخلاقی، با توجه به نگرانی‌ای که ناشی از تألم و ناراحتی از عقاب متوقع به سبب عمل به منهیات و ارتکاب جرایم و کوتاهی کردن در انجام وظایف دینی می‌باشد تا مباد در آن دنیا در مواقف حسابرسی دچار عقوبت الهی شود، در این دنیا بصورت مستمر نفس خود را مورد ارزیابی قرار داده و در نتیجه، این ارزیابی منجر به انضباط رفتاری خواهد شد تا اندک ظلمی به کسی روا ندارد.

شکل (۳): تأثیر گرایش بر شناخت



در پایان مدل مفهومی شخصیت اخلاقی و روابط میان مولفه‌های آن بر اساس منابع اسلامی را می‌توان به شکل ذیل ترسیم نمود.

شکل (۴): مدل مفهومی شخصیت اخلاقی براساس منابع اسلامی



نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مفهومی شخصیت اخلاقی براساس منابع اسلامی، گامی مهم در تبیین سازه‌ای بنیادین و چندوجهی برداشته است. این تحقیق نشان داده که شخصیت اخلاقی مفهومی جامع است که در سه بعد شناختی، گرایشی و رفتاری سازمان یافته و تعامل میان این ابعاد، الگوی کلی شخصیت اخلاقی را شکل می‌دهد. به‌ویژه، یافته‌های پژوهش بر اهمیت ایمان به‌عنوان منبع بنیادین شخصیت اخلاقی تأکید دارد که تمام مؤلفه‌های دیگر در بستر آن معنا و تحقق می‌یابند. یافته‌های پژوهش نشان داد که شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی، ابتدا و در وهله نخست، با ابعاد شناختی مرتبط است. مؤلفه‌هایی نظیر هشیاری معنوی، خودارزیابی مستمر، اندیشه‌ورزی سعادت‌نگر و خوش‌بینی، نشان‌دهنده اهمیت تفکر و آگاهی در شخصیت اخلاقی هستند که فرد را به سمت درک عمیق‌تری از هستی و وظایف اخلاقی خود هدایت می‌کند. این مؤلفه‌ها به فرد کمک می‌کنند تا رفتارها و نیات خود را به‌طور مستمر ارزیابی کرده و مسیر اخلاقی مناسب را شناسایی کنند. این یافته‌ها بیانگر آن است که انسان برای حرکت در مسیر اخلاقی، نیازمند نوعی آگاهی است. در ادامه، مؤلفه‌های گرایشی، مانند هیجان‌پذیری خداسو، اعتماد و امید به خدا، همت متعالی، و طمأنینه، نشان‌دهنده این هستند که شخصیت اخلاقی از نظر منابع اسلامی به انگیزه‌ها و احساسات درونی نیز وابسته است. این مؤلفه‌ها به‌عنوان محرک‌هایی عاطفی و روانی عمل می‌کنند که انسان را به‌سوی عمل اخلاقی سوق می‌دهند. بر این اساس، ایمان و ارتباط قلبی با خداوند، عاملی تعیین‌کننده در پایداری بر اصول اخلاقی و غلبه بر چالش‌های زندگی است. نتایج این پژوهش به‌وضوح نشان داد که مؤلفه‌های شناختی و گرایشی در نهایت در رفتارهای بیرونی فرد بازتاب پیدا می‌کنند. انضباط رفتاری، میانه‌روی، معاشرت نیکو، یاری‌گری ایشارگرانه و رفق و مدارا، از جمله نمودهای بیرونی شخصیت اخلاقی هستند که بر اساس این مدل مفهومی ارائه شده‌اند. این مؤلفه‌ها به فرد کمک می‌کنند تا ارزش‌های اخلاقی را در تعاملات اجتماعی و روابط خود به‌کار گیرد و بدین ترتیب اخلاق

به صورت عملی در زندگی او جاری شود.

یکی از دستاوردهای مهم پژوهش این است که نشان داد تعامل میان مؤلفه‌های شناختی و گرایشی، مؤلفه‌های رفتاری را ایجاد و تقویت می‌کند. به عبارت دیگر، شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی، سیستمی پویا است که مؤلفه‌های آن به صورت هم‌افزا عمل می‌کنند. ایمان به عنوان یک محور اصلی، تمام این مؤلفه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن‌ها را به سوی یکپارچگی و هماهنگی هدایت می‌کند. این تعامل درونی، شخصیت اخلاقی را به الگویی جامع و منسجم تبدیل می‌کند که فراتر از دیدگاه‌های رفتاری یا شناختی صرف است. این پژوهش نه تنها از منظر نظری، مدل مفهومی جدیدی از شخصیت اخلاقی ارائه داده است، بلکه زمینه‌ای برای کاربردهای عملی نیز فراهم می‌کند. مدل ارائه شده می‌تواند مبنای طراحی ابزارهای سنجش شخصیت اخلاقی در فرهنگ اسلامی قرار گیرد. همچنین، این مدل قابلیت ارائه چارچوب‌هایی برای تربیت اخلاقی در نظام‌های آموزشی و پرورشی را دارد. در حوزه روان‌شناسی اخلاق نیز، این مدل می‌تواند به عنوان معیاری بومی برای تحلیل رفتارهای اخلاقی در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

همچنین، با توجه به بررسی‌های انجام شده در حوزه شخصیت اخلاقی و دستیابی به مؤلفه‌های آن براساس منابع اسلامی، شخصیت اخلاقی عبارت است از: «سازمان صفات و فرآیندهای روانی نسبتاً پایدار معطوف به سعادت انسانی، متأثر از ایمان دینی، که باعث می‌شود فرد براساس توانش‌های شناختی (مانند هشیاری معنوی)، گرایشی (مانند هیجان‌پذیری خداسو) و رفتاری (مانند انضباط رفتاری) در ارتباط با خداوند، خویشتن، و دیگران بر محور اخلاق حرکت کند».

همانطور که در تعریف فوق ملاحظه می‌شود، می‌توان چند نکته را به شخصیت اخلاقی نسبت داد: نخست اینکه شخصیت اخلاقی، مجموعه‌ای سازمان‌یافته از صفات و فرآیندهای روانی است؛ یعنی اولاً شخصیت اخلاقی متشکل از چندین صفت گسترده اخلاقی است نه چند صفت محدود؛ ثانیاً شخصیت اخلاقی صرفاً مجموعه‌ای تصادفی از عناصر و مؤلفه‌ها نبوده؛ بلکه سازمان یافته است،

چراکه ساز و کارهای روانی و صفات به شکلی منسجم با یکدیگر در ارتباط‌اند. دوم آنکه، شخصیت اخلاقی، معطوف به سعادت انسانی است؛ یعنی همه صفات و فرایندهای روانی در جهت نیل به سعادت انسانی سازمان یافته‌اند. سوم آنکه، شخصیت اخلاقی متأثر از ایمان دینی است؛ یعنی صفات و فرایندهای اخلاقی در بستر ایمان دینی شکل خواهند گرفت و بعبارت دیگر، ایمان دینی به‌عنوان منبع بنیادین و محور فضائل اخلاقی است. چهارم آنکه مولفه‌های شخصیت اخلاقی، در ذیل ابعاد سه‌گانه شناختی، گرایشی و رفتاری قرار دارند؛ یعنی فرایند شخصیت اخلاقی از تعامل مولفه‌های شناختی و گرایشی آغاز و به مولفه‌های رفتاری ختم خواهد شد. پنجم آنکه، مولفه‌های شخصیت اخلاقی تحت سه مقوله ارتباطی مهم با عناوین ارتباط با خداوند، خویش‌ن و دیگران قرار دارد؛ یعنی شخصیت اخلاقی در ارتباط با خالق هستی، خویش‌ن و دیگران نوعی از عملکرد اخلاقی را متناسب با مخاطب خود پیش گرفته و نهایتاً در زندگی خود بر محور اخلاق حرکت می‌کند.

علاوه‌براین، به نظر می‌رسد با توجه به مفاهیم، رویکردها و نظریات مختلفی که پیرامون شخصیت اخلاقی در منابع غربی بیان شده است (به‌عنوان نمونه: مک‌آدامز، ۲۰۰۹؛ سنتراک، ۲۰۱۴؛ ۲۰۱۹؛ ناروانز و لپسلی، ۲۰۰۹؛ لپسلی، ۱۹۹۶؛ لپسلی و ناروانز، ۲۰۱۴؛ ۲۰۰۴)، بتوان جامع‌ترین تعریفی که تا حدودی ابعاد مختلف این سازه را پوشش می‌دهد را اینگونه جمع‌بندی کرد: «شخصیت اخلاقی مشتمل بر مجموعه‌ای از صفات اخلاقی است که باعث می‌شود فرد در مقام پردازش فکری، هدف‌گذاری زندگی، طرح‌گذاری زندگی، و رفتار بیرونی خود بر مبنای اخلاق حرکت کند، روندی که در صورت تداوم، منجر به شکل‌گیری یک هویت اخلاق‌مدار در فرد خواهد شد».

باتوجه به تعریف سازه شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی و منابع اسلامی می‌توان به مقایسه آنها پرداخت. از طرفی، این دو تعریف از چند جهت با یکدیگر شباهت دارند. نخست آنکه هر دو تعریف در ذیل پارادایم اخلاق فضیلت‌گرا جای گرفته و هر دو از اخلاق در سطح شخصیت سخن می‌گویند. بعبارت دیگر هر دو بر «منش» و اینکه «فرد باید چگونه باشد» تأکید دارند. دوم آنکه هر دو تعریف،

در برخی از صفات فردی مثل آرامش، و اجتماعی (جامعه‌پسند) مثل مسئولیت‌پذیری با یکدیگر اشتراک دارند. سوم آنکه، در هر دو تعریف بر ابعاد شناختی، گرایشی، و رفتاری توجه شده است. از طرفی دیگر این دو تعریف از چند جهت با یکدیگر تفاوت دارند. اولاً بدلیل وجود رویکردها و نظریات مختلف درباره این سازه، تعریف واحدی برای آن ارائه نشده و هر کدام از تعاریف از جنبه مختلفی به آن پرداخته‌اند که در فوق به واحدهای مختلف آن اشاره شد. و در نهایت در این پژوهش، تعریفی از جانب محقق به‌عنوان جمع‌بندی تعاریف این سازه در منابع روان‌شناختی ارائه شد. بر خلاف شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی، که با توجه به اتقان مبانی نظری و منابع آن تعریف جامع و واحدی از آن ارائه شده است. ثانیاً تعریف شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی متأثر از ایمان می‌باشد و به بیان دیگر ایمان بستری برای بروز و ظهور و ارزشمندی فضائل اخلاقی است بر خلاف شخصیت اخلاقی در منابع روان‌شناختی که به این مهم توجهی نشده است. ثالثاً تعریف شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی، اگر چه در ذیل پارادایم اخلاق فضیلت‌گرا قرار دارد، اما تفسیر آن نسبت به فضیلت‌گرایی با آنچه در غرب از آن تعبیر و تفسیر می‌شود متفاوت است. نخست آنکه فضائل اصلی در اخلاق یونانی، سکولار و دنیوی است. دوم آنکه فضائل چهارگانه اصلی در این نظریه، جامع فضائل اصلی اسلامی نیستند. سوم آنکه معنای این فضائل در اخلاق یونانی با معنای آنها در نظام اخلاق اسلامی سخت متفاوت است (اسلامی، ۱۳۸۷، ص. ۱). علاوه‌براین، تعریف شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی در ذیل پارادایم اخلاق غایت‌گرا نیز قرار می‌گیرد و همانطور که در تعریف ذکر شد سازمان صفات و فرایندهای روانی بالجمله، در راستای نیل به سعادت انسانی مد نظر قرار می‌گیرند. بعبارت دیگر، تزکیه نفس و تهذیب اخلاق نیز در زمره کارهای اختیاری انسان قرار دارد و به منظور وصول به هدف نهایی و مطلوب ذاتی انجام می‌گیرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ص. ۳۰). رابعاً تفاوت مهم دیگری که میان این دو تعریف وجود دارد، مربوط به گستره صفات و فرایندهای روانی در شخصیت اخلاقی می‌باشد. شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی از سویی شامل صفات فردی و اجتماعی و از

سویی دیگر شامل صفاتی در ارتباط با خداوند، خویشتن، و دیگران می‌باشد. بنابراین، طیف وسیعی از فضائل اخلاقی در بعد الهی، فردی و اجتماعی را در بردارد. بر خلاف شخصیت اخلاقی در منابع روان‌شناختی که توجهی به صفات در بعد الهی که خود نیز می‌تواند جامع صفات فردی و اجتماعی متفاوتی باشد، نشده است. خامساً روابط میان ابعاد شناختی، گرایشی، و رفتاری در شخصیت اخلاقی مبتنی بر منابع اسلامی، کاملاً روشن و مشخص است؛ یعنی در مدل مفهومی شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی، کاملاً روشن است که از کجا آغاز و به کجا ختم می‌شود. بر خلاف شخصیت اخلاقی در منابع روان‌شناختی، که اگرچه در برخی از نظریات بر سازوکارهای شناختی، گرایشی و انگیزشی تأکید شده است، اما بطور واضح روابط میان آنها تبیین نشده است.

به‌طور طبیعی در انجام هر پژوهشی محدودیت‌هایی بر سر راه پژوهشگر وجود دارد. برخی از محدودیت‌هایی که در مسیر این پژوهش وجود داشت، عبارت‌اند از: ۱. گزینش واحدهای تحلیل (مفاهیم مرتبط) برای استخراج مولفه‌های شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی، تنها بر اساس کلید واژگانی که ناظر به الگوی شبه شخصیتی اخلاق‌مدار بوده است، صورت گرفت. بنابراین، به منظور استخراج مولفه‌های شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی، می‌توان از سایر واحدهای تحلیل همچون بررسی سیره اخلاقی معصومین علیهم‌السلام، صحابه، علما و روایات ناظر به معرفی ویژگی‌های اخلاقی در بعد بینش، گرایش، و رفتار نیز استفاده کرد. ۲. جامعه‌آماری متنی در این پژوهش، اولاً، منابع روایی شیعی بوده است؛ ثانیاً، گزینش آن براساس اعتبار منبع روایت بوده است. بنابراین، به منظور بررسی بیشتر می‌توان اولاً به کتب روایی اهل سنت رجوع کرد؛ ثانیاً گزینش روایت بر اساس اعتبار سند نیز مورد بررسی قرار بگیرد. ۳. محدودیت در جامعه آماری متخصصان برای ارزیابی روایی مفاهیم و مؤلفه‌ها می‌تواند بر اعتبار یافته‌ها تأثیر بگذارد. استفاده از ۶ متخصص در ارزیابی محتوا، گرچه رویکردی علمی است، اما افزایش تعداد متخصصان و تنوع بیشتر در تخصص‌های آنان می‌توانست به جامعیت بیشتری در ارزیابی‌ها منجر شود.

علاوه بر این، با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و ظرفیت‌های غنی موضوع شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی، پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود که می‌توانند به توسعه دانش نظری و عملی در این حوزه کمک کنند: ۱. یکی از گام‌های کلیدی، طراحی بسته‌های آموزشی و تربیتی شخصیت اخلاقی بر اساس منابع اسلامی است. برای دستیابی به این هدف، می‌توان ابتدا شیوه‌های تربیتی پیشوایان دینی در انتقال و تقویت شخصیت اخلاقی را مطالعه کرد. این شیوه‌ها، که برگرفته از سیره عملی و آموزه‌های دینی هستند، می‌توانند به‌عنوان چارچوبی برای تدوین تکنیک‌های علمی و عملی مورد استفاده قرار گیرند. این بسته‌های آموزشی می‌توانند در محیط‌های تربیتی، از جمله مدارس، دانشگاه‌ها، و خانواده‌ها، به‌کار گرفته شوند تا تأثیر مستقیم بر پرورش شخصیت اخلاقی در افراد داشته باشند. ۲. از سوی دیگر، ساخت مقیاس شخصیت اخلاقی بر اساس منابع اسلامی از دیگر نیازهای پژوهشی است. این مقیاس می‌تواند ابزار دقیقی برای سنجش میزان شخصیت اخلاقی در افراد باشد و امکان ارزیابی تأثیر برنامه‌های تربیتی و آموزشی را فراهم کند. تدوین چنین مقیاسی نیازمند ترکیب یافته‌های این پژوهش با تکنیک‌های پیشرفته روان‌سنجی است تا مقیاسی معتبر و پایا در این حوزه ارائه شود. ۳. بررسی تطبیقی انواع شخصیت اخلاقی در منابع روان‌شناختی و اسلامی نیز می‌تواند به درک عمیق‌تر از شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو دیدگاه منجر شود. این مطالعات تطبیقی می‌توانند نقاط مشترک و متمایز شخصیت اخلاقی در هر دو نظام را شناسایی کرده و زمینه را برای تعامل بیشتر میان روان‌شناسی معاصر و روان‌شناسی اسلامی فراهم سازند. ۴. علاوه بر این، بررسی جایگاه شخصیت اخلاقی در سبک زندگی اسلامی می‌تواند جنبه‌های کاربردی بیشتری از این مفهوم را روشن سازد. این پژوهش‌ها می‌توانند به تحلیل نقش شخصیت اخلاقی در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، از جمله روابط انسانی، مدیریت هیجانات، و رفتارهای اقتصادی و اجتماعی بپردازند. چنین مطالعاتی به توسعه الگوهایی برای سبک زندگی اسلامی مبتنی بر اخلاق کمک کرده و می‌تواند الگویی عملی برای جوامع اسلامی ارائه دهد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۴.
۲. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
۳. صحیفه سجادیه. ترجمه: انصاریان، حسین. قم. دارالعرفان، ۱۳۹۸.
۴. ابن بابویه، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸.
۵. ابن بابویه، محمدبن علی، الخصال، قم، جامعه مدرسین ۱۳۶۲.
۶. ابن بابویه، محمدبن علی، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری، ۱۳۸۵.
۷. ابن بابویه، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمه، محقق و مصحح: علی اکبر غقاری، تهران، اسلامی، ۱۳۹۵.
۸. ابن بابویه، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۱۳۶۳.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴.
۱۰. ارشاد حسینی و همکاران، هادی، هوش اخلاقی و ساخت آزمون اولیه آن بر اساس منابع اسلامی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴.
۱۱. اسپیلیکا، برنارد، روانشناسی دین: بر اساس رویکرد تجربی، محمد دهقانی، تهران، رشد، ۱۳۹۰.
۱۲. آمدی، عبد الواحد، غررالحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰.
۱۳. بشیری گورتی، ابوالقاسم، تبیین روان شناختی الگوی انسان کامل، روان شناسی و دین، ۱۳۸۸؛ ۲ (۴): ص ۵-۴۰.
۱۴. بیژنی و همکاران، مسعود، بررسی مفهوم و جایگاه انگیزش در برنامه های آموزش بزرگسالان، کار و جامعه، ۱۳۲ (۱۳۳): ص ۱۰۰-۱۱۲.
۱۵. جهانگیری، مصطفی، جهانگیرزاده، محمدرضا، رفیعی هنر، حمید؛ شخصیت اخلاقی در روان شناسی و مفاهیم متناظر آن در منابع اسلامی، معرفت، ۱۴۰۰؛ ۳۰ (۱۰)، ص ۳۳-۴۳.
۱۶. حاجی زاده، ابراهیم و اصغری، محمد، روش های و تحلیل های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۰.
۱۷. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۱۸. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲.

۱۹. ربر، آرتور اس، فرهنگ روانشناسی توصیفی، یوسف کریمی و همکاران، تهران، رشد، ۱۳۹۰.
۲۰. شجاعی، محمدصادق، ساختار شخصیت بر اساس منابع اسلامی در چهارچوب رویکرد صفات (گزارش مطالعه کیفی)، مجموعه مقالات کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۵؛ ۳ (۲): ص ۷۵-۱۱۶.
۲۱. شجاعی، محمدصادق، نگاهی به ریشه‌های نظریه صفات شخصیت در اخلاق، روانشناسی و دین، ۱۳۸۸؛ ۳ (۲): ص ۱۲۹-۱۵۳.
۲۲. شهیدثانی، زین الدین بن علی، حقائق الإیمان مع رسالتی الإقتصاد و العدالة، قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۹.
۲۳. طباطبایی، سید محمدکاظم، منطق فهم حدیث، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰.
۲۴. عیاشی، محمدبن مسعود، التفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۲۵. غزالی، محمد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۲۶. غزالی، محمدبن محمد، مجموعه رسائل الإمام الغزالی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶.
۲۷. فیروزیان، شبیر، مقدمه‌ای بر روانشناسی از دیدگاه قرآن بر اساس آثار آیت‌الله مصباح یزدی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۸.
۲۸. فیض کاشانی، محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه سلام، ۱۴۰۶.
۲۹. فیض کاشانی، محمدمحسن، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الحدیث، ۱۴۰۷.
۳۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۳. مجموعه نویسندگان، سیری در سپهر اخلاق، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۹.
۳۴. محدث نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
۳۵. مسکویه، احمدبن محمد، طهاره الاعراق فی تحصیل الاخلاق، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۶۹.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.

۳۷. مظفری، ابوذر، ارزش‌های اصلی زمینه ساز در رشد شخصیت اخلاقی از منظر قرآن، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام ۱۳۹۸.
۳۸. مفید، محمد بن محمد، الامالی للمفید، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳.
۳۹. موسوی اصل و همکاران، سیدمهدی، روان‌شناسی اخلاق، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
۴۰. مهربانی، امیرحمزه، و همکاران، معرفی روش‌شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی، مدیریت فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.
۴۱. نراقی، ملا احمد، جامع السعادات، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۵ ش.
۴۲. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اوصاف الاشراف، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
۴۳. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۰ ش.
۴۴. هاشمی‌شاهرودی و همکاران، محمود، فرهنگ فقه، قم، موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶.
45. Berkowitz, M. The science of character education. In W. Damon (Ed.), Bringing in a new era in character education (43-63). Stanford, CA: Hoover Institute Press. 2002.
46. Damon, W. Self understanding and moral development from childhood to adolescence. In W. M. Kurtines and J. L. Gewirtz (Eds.), Morality, moral behavior, and moral development (pp. 109-127). Newyork: Wiley.1984.
47. Heinrichs, K. Oser, F & Lovat, T (Eds), Handbook of Moral Motivation. Theories, Models, Applications, University of Newcastle, Australia & University of Oxford, UK. 2013.
48. Lapsley, D. K. Moral psychology, Boulder, CO: Westview. 1996.
49. Lapsley, D. K., & Narvaez, D. (2004), the having, doing and being of moral personality, In N. Snow & F. V. Trivigno (Eds.), The philosophy and psychology of character and happiness (pp.133-159), New York, NY: Routledge. 2014.
50. Lapsley, D. K., & Narvaez, D., Moral Development, Self, and Identity. Mahwah, New Jersey. 2004.
51. McAdams, D. The moral personality, In D. Narvaez & D. K. Lapsley (Eds.), Personality, identity, and character: Explorations in moral psychology (pp. 11-29). New York: Cambridge University Press. 2009.

52. Narvaez, D., & Lapsley, D.K. (Eds). *Personality, Identity, and Character: Explorations in Moral Psychology*, New York: Cambridge University Press. 2009.
53. Narvaez, D., Lapsley, D. K., Hagele, S., & Lasky, B, Moral chronicity and social information processing: Tests of a social-cognitive approach to the moral personality, *Journal of Research in Personality*, 2006, 40, 966–985.
54. Santrock, J. W (4th Eds). *Child Development*. University of Texas at Dallas. 2014.
55. Santrock, J. W (7th Eds). *Life-span Development*. University of Texas at Dallas. 2019.
56. Warn. E. A. *Modeling Moral Personality: Moral Chronicity, Moral Identity, and Moral Cognition*. Doctoral dissertation, Columbia University. 2008.